

الگوی مطلوب ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی

سیدعباس موسویان^۱

علی نظری^۲

چکیده

استفاده از تغییر نرخ ذخیره قانونی به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای غیرمستقیم سیاست پولی که در بانکداری متعارف و به ویژه در اقتصاد کشورهای در حال توسعه بشمار می‌رود، از جمله چالش‌های بانکداری اسلامی است که بایستی پیرامون آن تحقیق و بررسی شود. معرفی الگوهای گوناگون ذخیره قانونی برای اجرا در یک نظام بانکداری اسلامی سبب شده است که این مسئله ایجاد شود که الگوی مطلوب کدام است. از جمله آفت‌های مورد نظر در این نظریات، افراط و تفریط و در نظر نگرفتن همه جوانب امر است که موجب کارا نبودن آن و دوری از اهداف اولیه می‌شود. از سوی دیگر غالب کارشناسان بر این اعتقادند که الگوی موجود نامتناسب با اهداف بانکداری اسلامی است.

به همین جهت در این مقاله تلاش شده است با بررسی نظریات ارائه شده توسط اندیشمندان اقتصاد اسلامی با روش توصیفی-تحلیلی، الگویی متعادل و بهینه برای ذخیره قانونی در نظام بانکداری اسلامی و در چارچوب شرع مقدس ارائه گردد که در عین کارایی با اهداف نظام اقتصادی اسلام نیز همسو باشد.

واژگان کلیدی: بانکداری اسلامی، ابزار سیاست پولی، نسبت ذخیره قانونی.

طبقه‌بندی JEL: D86

Email: samosavian@yahoo.com

Email: alinazari@uk.ac.ir

^۱- دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

^۲- کارشناس ارشد بانکداری اسلامی دانشگاه تهران

مقدمه

بانک مرکزی هر کشوری برای دستیابی به اهداف مورد نظر، از طریق سیاست‌های پولی، ابزارهای مختلفی در اختیار دارد که متناسب با شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند و از جهت تأثیرگذاری با یکدیگر متفاوت‌اند؛ به طوری که برخی سریع و برخی به تدریج موثر واقع خواهد شد.

بانک‌های مرکزی با استفاده از مجموعه ابزارهای موجود که در قالب دو گروه ابزارهای کمی و کیفی از آن‌ها یاد می‌شود، با استفاده از ایجاد تغییرات در پایه پولی و یا تغییر در ضریب فزاینده پولی، حجم پول و به تبع آن متغیرهای اقتصادی را برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ یکی از این ابزارها تغییر نرخ ذخیره قانونی است.

در ابتدا، هدف از برقراری چنین مکانیزمی حمایت از سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها بود، تا بانک‌ها که هدف آن‌ها حداکثر کردن سود می‌باشد، کل سپرده‌های مردم را به خطر نیندازند. اما به تدریج بانک‌های مرکزی بویژه در کشورهای در حال توسعه با تغییر در نسبت سپرده‌های قانونی، حجم منابع آزاد بانک‌ها را تغییر داده موجبات تحدید یا توسعه اعتبارات بانکی را فراهم آوردند.

بر اساس قانون بانکی هر کشوری، بانک‌ها موظف‌اند درصدی از سپرده‌های دیداری و غیر دیداری را به عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه گذارند. این ابزار، از دو جهت برای سیاست‌گذاران دارای اهمیت است. نخست آن که وسیله‌ای است جهت تأمین امنیت بخشی از سپرده‌های مردم در نزد بانک‌ها و دوم به لحاظ اثرهای سریعی که تغییر در نرخ ذخیره قانونی بر حجم اعتبارات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی دارد، این ابزار به عنوان یکی از اهرم‌های مهم برای اجرای سیاست پولی، به منظور کنترل حجم تسهیلات اعتباری تلقی می‌گردد. (کشاوریان، ۱۳۸۳)

اما امروزه بر اساس مطالعات صورت گرفته (Alexander et al, 1995) و تجربیات کشورهای مختلف (Buzeneca and Maino, 2007) توصیه می‌شود که بدلیل انعطاف ناپذیر بودن ابزار تغییر نرخ ذخیره قانونی و هزینه‌های اجرای آن، بهتر است با انتخاب رویکرد ثبات نسبی از وارد آوردن

هزینه‌های اضافی بر سیستم بانکی اجتناب کرد. پایین بودن نرخ ذخیره قانونی و تغییرات محدود آن در طول زمان در کشوری مانند آمریکا موید این نکته می‌باشد. فدرال رزرو توصیه می‌کند کشورهای در حال توسعه بجای استفاده مکرر از ابزار تغییر نرخ ذخیره قانونی، با توسعه بازارهای ثانویه، به ابزار بر پایه بازار پول و سرمایه روی آورند. (Boyer et al, 2005)

اما در اقتصاد اسلامی مسائل دیگری نیز مطرح می‌شود و آن اینکه مطمئناً با حذف بهره از نظام بانکداری متعارف نمی‌توان ادعا کرد که بانکداری مذکور اسلامی است؛ چرا که اقتصاد اسلامی اصولی و اهدافی دارد که در برخی مواقع تفاوت‌هایی با نظام اقتصادی متعارف دارد. همچنین از آن‌جا که نظام بانکی، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی و توزیع ثروت و درآمد در جامعه و در تعیین حجم پول در گردش و سطح قیمت‌ها ایفا می‌کند، توجه ویژه‌ای می‌طلبد. تبدیل شدن نهاد بانک به یک موسسه سودآور از طریق خلق اعتبار و پول، با تعاریف اولیه آن همخوانی ندارد و لذا از آنجا که در این مسیر، ذخیره قانونی مولفه‌ای بسیار تأثیرگذار خواهد بود، در این مقاله به آن پرداخته شده است.

به همین منظور این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی مطالعات انجام شده پیرامون لزوم ذخایر قانونی و الگوهای ارائه شده را بررسی می‌کند و در ادامه با ارائه اصول موضوعه منبث از شرع، سعی در طرح ریزی الگویی جامع و کارا بر مبنای آن و برای اجرا در نظام بانکداری اسلامی خواهد داشت.

فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه: «می‌توان بر مبنای شرع و اصل کارآمدی الگوی ذخیره قانونی‌ای ارائه داد که با دوری از افراط و تفریط و حفظ تعادل، هم سبب تأمین امنیت سپرده‌ها گردد و هم با اهداف بانکداری اسلامی منطبق باشد و در عین حال به عنوان ابزار سیاست پولی بانک مرکزی نقش ایفا نماید.»

ادبیات تحقیق

در رابطه با مشروعیت فقهی ذخیره قانونی و همچنین لزوم کارایی آن در بانکداری اسلامی تحقیقاتی صورت گرفته است که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌شود.

محمد عمر چپرا (۱۴۰۴ق) در مقاله «النظام النقدي و المصرفي في الاقتصاد الاسلامي» همانند

محسن خان و میرآخور (۱۳۷۰) بر معاف بودن سپرده‌های سرمایه‌گذاری از ذخیره قانونی تاکید دارند و درباره سپرده‌های دیداری نیز ترتیبات خاصی را ارائه می‌نمایند. در نظر گرفتن ۲۵ درصد سپرده‌های دیداری در اختیار دولت اسلامی جهت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های عمومی که بخش خصوصی انگیزه فعالیت در آن‌ها را ندارد و همچنین نسبت ذخیره قانونی ۱۰ تا ۲۰ درصدی از جمله پیشنهادات وی می‌باشد.

ترکمانی (۱۹۸۸) در کتاب «السیاسة النقدية و المصرفية فی الاسلام» به جهت اینکه در اقتصاد اسلامی، بانک‌ها اعم از بانک‌های تجاری یا صندوق زکات نمی‌توانند بیش از اموالی را که در اختیار دارند، قرض دهند، استفاده از اندوخته قانونی را به صورت ابزار سیاست پولی متفی می‌داند.

محسن خان و میرآخور (۱۳۷۰) در کتاب «مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی» در رابطه با سپرده‌های دیداری به صددرصد اندوخته قانونی قائل هستند و در این دیدگاه امکان هیچ گونه استفاده از آن‌ها به منظور ایجاد چند برابر وجود ندارد. سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز به لحاظ این که منابع سرمایه‌گذاری تلقی می‌شوند، دلیلی برای وضع ذخیره قانونی بر آنها وجود ندارد. توتونچیان (۱۳۷۶) در مقاله «ارزیابی پایه‌های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران» معتقد است در نظام پولی اسلام، سیاست پولی معنا ندارد؛ افزون بر این وی بر این باور است که بدلیل اینکه در بانکداری اسلامی واقعی بانک از یک طرف هم به صورت وکیل و هم به صورت شریک سپرده‌گذار، و از طرف دیگر به صورت شریک سرمایه‌گذار در می‌آید، دلیلی برای حفظ سپرده‌های قانونی وجود ندارد.

موسویان (۱۳۸۶) در کتاب «بانکداری اسلامی» به بررسی فقهی ذخیره قانونی می‌پردازد. در فصل هفتم که اختصاص به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارد، اشاره شده است که در قرض الحسنه و سپرده دیداری نگهداری ذخیره قانونی توسط بانک مرکزی قانونی و از منظر فقهی مشروع می‌باشد و در رابطه با سپرده‌های سرمایه‌گذاری که بر مبنای عقد و کالت است، با توجه به قاعده قراردادهای دارای اشکال فقهی نیست. همچنین تغییر نرخ ذخیره قانونی توسط بانک مرکزی برای رعایت مصالح عمومی قانونی است و مجوز شرعی دارد.

فرزین‌وش و فراهانی فرد (۱۳۸۱) در مقاله «ذخیره قانونی بر سپرده‌های بانکی» با بررسی فقهی اقتصادی موضوع بحث در رابطه با عموم سپرده‌ها به جواز فقهی این امر قائل هستند. در سپرده‌های قرض‌الحسنه و دیداری از آنجا که مبتنی بر عقد قرض می‌باشد در صورت بکارگیری ذخایر قانونی توسط بانک مرکزی سود به مالک نهایی که بانک مرکزی است اختصاص می‌یابد و در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری بسته به عقد شرکت و یا وکالت نتیجه متفاوت خواهد بود.

میرمعزی (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان «الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی» با مروری بر انواع ذخایر و نقش آن‌ها در بانکداری مبتنی بر بهره، نظر اقتصاددانان اسلامی دربارهٔ ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی نقد و بررسی می‌کند و الگوی ذخایر خود را با تأکید بر عدم تمرکز ثروت و بلوکه شدن واقعی وجوه ذخیره ارائه می‌دهد.

تقوی و لطفی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی اثرات سیاست پولی بر حجم سپرده‌ها، تسهیلات اعطایی و نقدینگی نظام بانکی کشور» با بررسی سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۲ اقتصاد ایران ضمن مطالعه مکانیسم‌های مختلف اثر سیاست پولی به کارایی بسیار ناچیز تغییر نرخ سپرده قانونی در سیاست‌گذاری پولی می‌رسد و پیشنهاد می‌کند بانک مرکزی در راستای کنترل تورم از ابزارهای دیگر در اختیار استفاده کند.

بنابراین این مقاله غیر از مطالعات فوق در زمینه جواز فقهی و بررسی اقتصادی، بدنبال جمع‌بندی بینه بین نظرات ارائه شده پیرامون الگوهای ذخیره قانونی در نظام بانکداری اسلامی و طرح الگویی جدید بر مبنای اهداف متعالی اسلامی منبعث از اصول موضوعه مدنظر که قابلیت اجرایی داشته باشند، می‌باشد. این الگوی جدید با دوری از افراط و تفریط، نگاه صفر درصدی و صد درصدی و همچنین حفظ تعادل، هم سبب تأمین امنیت سپرده‌ها خواهد شد و هم با اهداف بانکداری اسلامی منطبق می‌باشد و در عین حال به عنوان ابزار سیاست پولی بانک مرکزی نقش ایفا خواهد کرد.

نسبت ذخیره قانونی، ابزار سیاست پولی

بر اساس قانون بانکی هر کشوری، بانک‌ها موظف‌اند درصدی از سپرده‌های دیداری و غیر دیداری را به عنوان سپرده‌های قانونی نزد بانک مرکزی به ودیعه گذارند. در ابتدا، هدف از

برقراری چنین مکانیزمی حمایت از سپرده‌های عامه مردم نزد بانک‌ها بود، تا بانک‌ها که هدف آن‌ها حداکثر کردن سود می‌باشد، کل سپرده‌های مردم را به خطر نیندازند. اما به تدریج بانک‌های مرکزی بویژه در کشورهای در حال توسعه با تغییر در نسبت سپرده‌های قانونی، حجم منابع آزاد بانک‌ها را تغییر داده‌اند و موجبات تحدید یا توسعه اعتبارات بانکی را فراهم آوردند. در واقع این ابزار از هدف اولیه خود که امنیت بخشی به سپرده‌های مردمی نزد بانک‌ها بوده است به سمت یک اهرم مهم در اجرای سیاست پولی، به منظور کنترل حجم تسهیلات اعتباری تلقی گردیده است. (برانسون، ۱۳۷۳: ص ۴۴۹ و ۴۵۰؛ کشاورزبان، ۱۳۸۳)

نرخ ذخیره قانونی تنها متغیری در ضرایب فزاینده پول می‌باشد که به طور کامل در کنترل بانک مرکزی قرار دارد و اثر استفاده از تغییرات این نرخ، بشرط این که بانک‌ها دارای ذخایر مازاد نباشند، بلافاصله در همه بانک‌های کشور ظاهر می‌شود.

بانک مرکزی برای استفاده از این ابزار پولی، می‌تواند بر حسب موارد و اقتضای وضعیت پولی و اقتصادی کشور، نرخ ذخایر قانونی را تغییر داده و از این طریق بر میزان ذخایر قانونی بانک‌های تجاری نزد خود و بر قدرت وام دهی آن‌ها تاثیر بگذارد. اما معمولاً بانک مرکزی برای تعیین نرخ ذخایر قانونی تنها بر حسب نوع سپرده‌ها (دیداری و غیر دیداری) و منشا آن (خارجی و داخلی) تفاوت قائل می‌شود. تفاوت نرخ ذخایر قانونی همانطور که در جدول ذیل نشان داده شده است بر حسب نوع سپرده‌ها معمولاً بدین نحو است که برای سپرده‌های جاری نرخ بالاتر و برای سپرده‌های مدت‌دار و پس‌انداز به تناسب معینی در رابطه با مدت سپرده‌ها نرخ کمتری تعلق می‌گیرد.

نسبت سپرده قانونی بانکها و موسسات اعتباری (بانک‌های تجاری)

سال	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵
قرض الحسنه	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۲۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۱۷٪
سپرده دیداری	۱۷٪	۱۷٪	۲۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۱۷٪
سرمایه گذاری کوتاه مدت	۱۷٪	۱۷٪	۲۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۱۷٪
سرمایه گذاری ۱ ساله	۱۷٪	۱۷٪	۲۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۱۷٪
سرمایه گذاری ۲ ساله	۱۷٪	۱۷٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۷٪
سرمایه گذاری ۳ ساله	۱۷٪	۱۷٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۷٪
سرمایه گذاری ۴ ساله	۱۷٪	۱۷٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۷٪
سرمایه گذاری ۵ ساله	۱۷٪	۱۷٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۰٪	۱۷٪

منبع: بانک مرکزی (ج.ا.ا.)

جایگاه نرخ ذخیره قانونی در قانون بانکداری بدون ربا ایران

حال با نگاهی به قانون بانکداری ایران به دنبال جایگاه این ابزار می‌گردیم. در فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا و آیین نامه اجرایی آن که به تبیین جایگاه بانک مرکزی و سیاست پولی می‌پردازد، از تغییر نرخ ذخیره قانونی به عنوان ابزاری برای سیاست پولی نام برده نشده است،

لکن ماده ۳ آیین نامه، زمینه را برای آن فراهم می‌کند، در این ماده آمده است:

«در جهت حسن اجرای سیاست پولی و اعتباری و حفظ ارزش پول، بانک مرکزی می‌تواند علاوه بر به کار گرفتن ابزار سیاست پولی موضوع قانون پولی و بانکی، در حدی که مغایر مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا نباشد با تصویب شورای پول و اعتبار با استفاده از ابزار ذیل، در امور پولی و بانکی دخالت و نظارت کند.» (هدایتی و همکاران، ۱۳۷۹)

مفاد این ماده نشان می‌دهد ابزارهای مطرح در قانون پولی و بانکی به شرط عدم مغایرت با قانون عملیات بانکی بدون ربا، همچنان می‌توانند مورد استفاده بانک مرکزی باشند و یکی از آن ابزارها تغییر نرخ ذخیره قانونی است و به همین دلیل است که بعد از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران همانند سابق اقدام به استفاده از تغییر نرخ ذخیره قانونی به عنوان ابزار سیاست پولی می‌کند (موسویان، ۱۳۸۶).

ماهیت فقهی ذخیره قانونی و تغییر نرخ آن

همانطور که در بند پیش اشاره شد مقید کردن بانک‌ها به سپردن ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی و استفاده از تغییرات نرخ مذکور دارای مغایرت قانونی با مهمترین قانون بانکی کشورمان نمی‌باشد؛ از این رو در گام بعد بایستی به ماهیت فقهی آن پرداخت.

حال سؤال این است که اولاً، ماهیت فقهی سپرده قانونی در بانکداری بدون ربا چیست؟ ثانیاً، آیا بانک مرکزی می‌تواند بانک‌های تجاری را موظف به داشتن چنین سپرده‌ای کند؟ ثالثاً، آیا بانک مرکزی می‌تواند هر زمان که بخواهد نرخ سپرده قانونی را تغییر دهد؟

از آنجا که در قانون عملیات بانکی بدون ربا تصریح یا اشاره‌ای به ماهیت حقوقی سپرده قانونی و رابطه بانک‌های تجاری با بانک مرکزی نشده است، با توجه به ماهیت سپرده‌های مردم نزد بانک‌های تجاری به بررسی حکم ذخیره قانونی آن توسط بانک مرکزی می‌پردازیم.

الف - سپرده قرض الحسنه پس انداز

در این نوع سپرده‌ها فرد در قبال سپرده گذاری بدنال کسب منفعت اقتصادی نمی‌باشد. در این مورد چه بر اساس نظر مشهور از جمله حضرت امام خمینی (ره) و شهید صدر مبنی بر قرض بودن

سپرده‌های پس‌انداز (فرزین‌وش و فراهانی فرد، ۱۳۸۱) و چه برخی نظرات پیرامون و کیل بودن بانک از سوی سپرده‌گذار به بکارگیری وجوه در قرض دادن به نیازمندان (میرمعزی، ۱۳۸۴) بایستی به این نکته اذعان داشت که همانطور که از اسم این نوع سپرده پیداست و برآورد ذهنی مردم، نیت فرد در ایجاد سپرده قرض الحسنه پس‌انداز کسب منفعت معنوی می‌باشد.

از سوی دیگر به صورت ارتكازی بین مردم معروف است که هر و کیلی بایستی وظیفه خود را در چارچوب شرع و قانون ایفا کند و یکی از قوانین بانکی، سپرده قانونی است که هر بانکی ملزم به رعایت آن می‌باشد؛ بنابراین طبق قواعد قراردادها و حاکمیت بانک مرکزی، نهادن بخشی از سپرده نزد بانک مرکزی خالی از اشکال می‌باشد. در رابطه با پرداخت سود نیز تنها در حالتی می‌تواند صورت پذیرد که قرارداد فی‌مابین بانک تجاری و بانک مرکزی بر اساس قرارداد و کالت عام یا یک قرارداد انتفاعی اسلامی تعریف شده باشد.

ب- سپرده دیداری

سپرده‌های جاری یا دیداری بنا بر نظر مشهور ماهیت قرض دارند و بنابراین بانک مالک سپرده می‌شود و می‌تواند بخشی از آن را در قالب قرض بدون بهره و یا عقود مشارکت در سود و زیان نگهداری کند. بانک مرکزی نیز می‌تواند براساس قواعد قراردادها، بانک‌های سپرده‌پذیر دولتی یا غیردولتی را موظف کند در برابر اعطای امتیاز فعالیت و حمایت از آن‌ها، بخشی از سپرده‌های خود را در قالب قرض بدون بهره یا مشارکت نزد آن نگه دارند. در صورتی که بانک‌ها این وجوه را به صورت قرض بدون بهره در اختیار بانک مرکزی قرار دهند، بانک مرکزی می‌تواند هرگونه بخواهد در این وجوه تصرف کند و عواید به کارگیری این وجوه نیز متعلق به خود او است و اگر در قالب مشارکت در سود و زیان بدهند، بانک مرکزی طبق قرارداد مشارکت باید این وجوه را سرمایه‌گذاری کرده، بخشی از سود آن‌را به بانک‌های سپرده‌پذیر بدهد. طبیعی است در این صورت، سودی که به بانک‌ها داده می‌شود به خود بانک‌ها متعلق است و به سپرده‌گذاران تعلق ندارد (میرمعزی، ۱۳۸۴ و فرزین‌وش و فراهانی فرد، ۱۳۸۱).

در اینجا نباید فراموش کرد در صورتی که بانک مرکزی سپرده‌های قانونی بانک‌ها را در قالب مشارکت بکار ببندد، حالتی پیش نیاید که با اهداف اصلی سپرده قانونی تناقض بوجود آید.

در واقع در این شرایط تمایل بانک مرکزی برای بالا بردن نرخ ذخیره قانونی به منظور کسب سود بیشتر و همچنین خارج شدن این ابزار به عنوان ابزار سیاست پولی بایستی در نظر گرفته شود.

ج- سپرده‌های سرمایه‌گذاری

در حساب‌های سرمایه‌گذاری طبق قانون، رابطه بانک و صاحب سپرده، رابطه «وکالت» است. بانک‌ها پس از کسر سپرده قانونی و نقدینگی، مطابق تبصره ماده ۳ قانون بانکداری بدون ربا، باقیمانده وجوه این حساب‌ها را به وکالت از صاحبان سپرده در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله به کار می‌گیرند (موسویان، ۱۳۸۶).

به بیانی دیگر در اینجا نگهداری درصدی از سپرده‌ها نزد بانک مرکزی می‌تواند در قالب قرض بدون بهره یا مشارکت در سود و زیان و با رضایت سپرده‌گذاران صورت پذیرد؛ بدیهی است که در صورت قرض بدون بهره سودی عاید دو طرف نخواهد شد ولی در صورت عقد انواع قراردادهای انتفاعی بین بانک و بانک مرکزی، هر دو به نسبت سهم خود عایدی خواهند داشت و سپرده‌گذاران نیز به تناسب سپرده خود سود خواهند برد.

به نظر می‌رسد در سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار از آنجا که بانک و کیل سپرده‌گذار در به کار انداختن پس‌انداز موکل در پربازده‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها و کسب بیشینه سود می‌باشد، باید نوعی تعادل بین اهداف خرد سپرده‌گذاران و اهداف کلان بانک مرکزی از ذخیره قانونی ایجاد شود تا هم منافع سپرده‌گذاران به خوبی تأمین گردد و هم اینکه بانک مرکزی در راستای اهداف سیاست‌گذاری خود به درستی عمل نماید.

سیاست‌گذاری پولی بوسیله نرخ ذخیره قانونی

با توجه به بررسی سه نوع عمده سپرده مردم نزد بانک‌ها و مشخص نمودن وضعیت ذخیره قانونی آن می‌توان به سوال دوم و سوم بند قبل پرداخت.

از آنجا که بانک مرکزی به عنوان مسئول تنظیم بخش پولی و بانکی دولت اسلامی، مسئولیت دارد متناسب با مصالح و منافع عمومی به وضع مقررات و تغییر آنها اقدام کند، بنابراین مجاز است برای رعایت امنیت سپرده‌ها، بانک‌های تجاری را موظف به نگهداری سپرده قانونی کند و

همچنین می‌تواند در مواقع نیاز متناسب با مصالح کشور نرخ سپرده قانونی را کاهش یا افزایش دهد. (موسویان، ۱۳۸۶)

نرخ مناسب ذخیره قانونی در نظام بانکداری اسلامی تا اینجا به بحث و بررسی پیرامون مسائل قانونی و فقهی ذخیره قانونی در بانکداری بدون ربا پرداختیم و در ادامه بایستی این سوال پاسخ داده شود که در صورت نیاز به اخذ ذخیره قانونی از سپرده‌های بانکی، بایستی چه روشی اتخاذ شود که در راستای اهداف بانکداری اسلامی باشد.

الف - پیشینه

نظام بانکداری متعارف

در نظام بانکی اقتصاد غرب، سه نوع سپرده جاری و سپرده پس‌انداز و سپرده مدت‌دار وجود دارد. امروزه حساب‌های جاری افزون بر حساب‌های دیداری بانک‌های تجاری، شامل حساب‌های پس‌انداز (Now) و سوپر Now، حساب‌های با سیستم انتقال خودکار (ATS) حساب‌های برات سهام اتحادیه اعتباری (CUSD)، سپرده‌های دیداری در بانک‌های پس‌انداز تعاونی می‌شود. سپرده‌های مدت‌دار نیز شامل شبه پول (سپرده‌های کوتاه‌مدتی که قابل انتقال به وسیله پشت‌نویسی نیستند) و سپرده‌های بلندمدت می‌شود. هر یک از این دو نیز انواع گوناگون دارند. ماهیت حقوقی همه این سپرده‌ها قرض است؛ بدین سبب، مؤسسه سپرده‌پذیر، مالک سپرده‌ها به‌شمار می‌رود. (راجر لروی و پلسانیلی، ۱۳۷۴: ص ۶۴ و ۶۵)

در این نظام، مؤسسات سپرده‌پذیر دو نوع ذخایر نگه می‌دارند که عبارتند از:

۱. ذخایر قانونی (RR): طبق قانون، مؤسسات سپرده‌پذیر موظفند بخشی از سپرده‌های مردم را به بانک مرکزی تحویل دهند. ذخایر قانونی در بانکداری سنتی برای سپرده‌های جاری و همچنین سپرده‌های مدت‌دار نگهداری می‌شود؛ بنابراین، بخشی از RR، به سپرده‌های جاری، و بخشی دیگر به سپرده‌های مدت‌دار مربوط است.

۲. ذخایر مازاد (RE): مؤسسات سپرده‌پذیر ترجیح می‌دهند ذخایری بیش از ذخایر قانونی نگه

دارند تا در صورت لزوم از آن استفاده کنند. تصمیم‌گیری یک بانک درباره میزان نگهداری ذخایر مازاد، مانند تصمیم‌گیری فرد برای تقاضای احتیاطی پول است. بانک‌ها ذخایر را به‌منظور پاس‌خگویی تقاضا برای پول نقد یا پرداخت به بانک‌های دیگر نگه می‌دارند. (برانسون، ۱۳۷۳: ص ۴۴۹ و ۴۵۰)

بنابراین از آنجا که ماهیت سپرده قانونی بانک‌ها و مؤسسات سپرده‌پذیر نزد بانک مرکزی همانند ماهیت سپرده مردم نزد آنها و بصورت قرض می‌باشد، با سپرده‌گذاری، سپرده‌ها به مالکیت بانک مرکزی در می‌آید و بانک مرکزی حق هر نوع تصرفی در آن‌ها را دارد؛ بدیهی است مادامی که بانک مرکزی در برابر سپرده‌ها سودی نمی‌پردازد، می‌تواند مصداق قرض بدون بهره باشد و مشکل شرعی هم نخواهد داشت. اما اگر به این سپرده‌ها سود پرداخته شود، می‌توان بانک‌ها را به دو گونه تقسیم نمود، بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی.

با توجه به اینکه بانک‌ها و مؤسسات خصوصی ماهیت مستقل از بانک مرکزی دارند، با سپردن آنچه در بانک خصوصی سرمایه‌گذاری می‌شود به بانک مرکزی، بانک مرکزی آن را مالک شده و پرداخت هر نوع زیاده و بهره، مصداق ربا و از نظر اسلام حرام محسوب می‌گردد. حکم بانک‌های دولتی، تا حدودی می‌تواند با بانک‌های خصوصی متفاوت باشد. زیرا با سپرده‌گذاری مردم، وجوه سپرده‌گذاری شده به مالکیت بانک دولتی و در واقع دولت در می‌آید و با نهادن ذخیره قانونی نزد بانک مرکزی، در صورتی که با توجه به قانون آن کشور بانک مرکزی بخشی از دولت بشمار رود، گویا صرفاً انتقال دارایی از محلی به محل دیگر و از فعالیتی به فعالیت دیگر صورت گرفته است؛ روشن است که در این صورت پرداخت زیاده از مصادیق قرض ربوی نخواهد بود بلکه صرفاً جابجایی دارایی در زیرمجموعه‌های دولت می‌باشد.

بانکداری اسلامی

الف - نظریه‌های تفریطی

در میان اقتصاددانان مسلمان درباره استفاده از این ابزار، اختلاف نظر بسیاری وجود دارد.

برخی از اقتصاددانان، اعتقادی به استفاده از این ابزار در بانکداری اسلامی ندارند. (توتونچیان، ۱۳۷۶) معتقد است: «سپرده قانونی در نظام بانکداری سنتی برای کنترل حجم پول و جلوگیری از افراط در ایجاد آن توسط بانک‌ها است، در حالی که اگر بانک اسلامی واقعی به وجود آید، بانک از یک طرف هم به صورت وکیل و هم به صورت شریک سپرده‌گذار، و از طرف دیگر به صورت شریک سرمایه‌گذار در می‌آید. دلیلی برای حفظ سپرده‌های قانونی وجود ندارد، زیرا سپرده‌ها از طریق عقود اسلامی می‌توانند به سرمایه تبدیل شوند و افزایش سرمایه نه تنها عامل منفی نمی‌باشد، بلکه سازنده و مفید است.»

(ترکمانی، ۱۹۸۸) بیان می‌دارد: «سپرده‌هایی که ممکن است برای نقدینگی اقتصاد مشکل ایجاد کنند، سپرده‌های دیداری‌اند و این سپرده‌ها به جهت محدودیت‌هایی که در اسلام برای نگهداری آن‌ها وضع شده (مانند تشریح زکات و حرمت کنز) رقم قابل توجهی را در میزان سپرده‌ها نداشته‌اند و بخش اعظم آن‌ها به صورت سپرده سرمایه‌گذاری جلوه خواهد کرد؛ اما سپرده‌های سرمایه‌گذاری نیز به منظور به کارگیری در فعالیت اقتصادی و بهره‌مند شدن از سود آن‌ها ایجاد شده‌اند و اغلب پس از اتمام دوره مالی می‌توانند سپرده‌های خود را از بانک دریافت کنند؛ بنابراین نیازی به اندوخته قانونی نیست.»

شایان ذکر است که محسن‌خان و محمد شوقی دنیا نیز ذخیره قانونی بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری را نفی می‌کنند (میرآخور و محسن‌خان، ۱۳۷۰).

ب- نظریه‌های افراطی

از جمله کسانی که به نگه‌داری ۱۰۰ درصد اندوخته برای سپرده‌های دیداری اعتقاد دارند می‌توان میرآخور و محسن‌خان (۱۳۷۰)، منذر قحف (۱۹۸۷) و الجرحی (۱۹۸۳) را نام برد. محسن‌خان می‌گوید: «بانک‌ها برای سپرده‌ها از طریق دو باجه فعالیت می‌کنند یک باجه فقط به وجوه سپرده‌های معاملاتی پوشش داده، بابت آن‌ها بهره‌ای نمی‌پردازد. این سپرده‌ها همانند سپرده‌های دیداری‌اند با این تفاوت که این سپرده‌ها دارای صددرصد اندوخته قانونی هستند و امکان هیچ‌گونه استفاده از آن‌ها به منظور ایجاد چند برابر وجود ندارد. دلیلی که برای در نظر گرفتن صددرصد ذخیره قانونی برای این سپرده‌ها وجود دارد، این است که این سپرده‌ها به طور

کامل ایمن باشند. به این ترتیب، هم خواسته کسانی را که از قبول خطر می‌پرهیزند، تامین می‌کنند و هم جلو خطرهایی را که ممکن است بر اثر دخالت در مکانیزم پرداخت‌ها به واسطه هجوم برای برداشت سپرده‌ها بروز کند، می‌گیرند. بوجه دیگر به حساب سود و زیان یا دارایی سهمی مربوط است که در آن، سپرده‌گذار مانند سهامدار بانک تلقی می‌شود. دولت دلیلی ندارد برای این سپرده‌های سرمایه‌گذاری به لحاظ این که منابع سرمایه‌گذاری تلقی می‌شوند، تکلیف ذخیره قانونی وضع کند؛ اگر چه بانک‌ها احتمالاً و به ملاحظه دوران‌اندیشی، مبلغی را به صورت ذخیره حداقل نگاه می‌دارند.»

(میرآخور، ۱۳۷۰) در نتیجه‌گیری از الگوهای مطرح در بانکداری اسلامی با طرفداری از نظریه نگه داری ۱۰۰ درصد ذخیره قانونی برای سپرده‌های دیداری معتقد است:

۱. چنین عملی باعث افزایش کارایی نظام می‌شود؛ زیرا:

ا. در حالی که هرگونه تغییری از پول پر قدرت به سپرده‌ها و به عکس در یک نظام بانکداری که ذخیره قانونی درصدی از کل سپرده‌ها است، باعث بی‌ثباتی می‌گردد؛ ولی چنان چه صددرصد ذخیره نگه داری شود، تنها ترکیب پول عوض می‌شود و عرضه کل پول تغییری نمی‌یابد.

ب. در یک نظام بانکداری که ذخیره قانونی کمتر از صددرصد است، حفظ یا افزایش سپرده‌های واقعی، در نتیجه تغییر در عرضه پول ناشی از خلق سپرده یا جایگزینی سپرده و پول نقد، پرهزینه‌تر است.

ج. نگه داری صددرصد ذخیره، امکان می‌دهد که منافع حاصل از خلق پول به همه جامعه برگردد.

۲. این سپرده‌ها امانت در نزد بانک بوده و بنابراین باید به طور کامل نگه داری شود.

ج- نظریات میانه

برخی دیگر از اقتصاددانان مسلمان به روش‌های میانه معتقدند. گروهی از آنان نگهداری ذخایر قانونی در بانکداری اسلامی را همچون بانکداری ربوی لازم می‌دانند؛ چرا که معتقدند همان‌علی که نگهداری ذخایر قانونی در بانکداری ربوی را توجیه می‌کند (امنیت سپرده‌ها و

کنترل حجم پول)، در بانکداری اسلامی نیز وجود دارد و تفاوت‌های موجود بین دو نظام، سبب نفی ذخایر قانونی نمی‌شود. این گروه بین بانکداری سنتی و اسلامی هیچ فرقی در نرخ ذخیره قانونی قائل نمی‌شوند.

ولی گروهی دیگر معتقدند که نرخ ذخیره‌های قانونی در مقایسه با سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری اسلامی باید از این نرخ در بانکداری سنتی کمتر باشد؛ زیرا بین این دو نوع بانکداری دو اختلاف عمده وجود دارد: یکی آن که حجم و وزن سپرده‌های جاری در مقایسه با کل سپرده‌ها در بانکداری اسلامی کمتر از بانکداری سنتی است و مسأله در غیرسپرده‌های جاری برعکس است و دوم این که تأمین مالی اسلامی دارای مشخصاتی از قبیل ماهیت کالایی و عینی داشتن، توازن بین جریانات نقدی و کالایی از جهت حجم و زمان و جهت، تأثیرپذیری از نتایج فعلی سرمایه‌گذاری از نظر سود و ضرر است و این مشخصات در تأمین مالی سنتی وجود ندارد یا به نحو ضعیف‌تری وجود دارد. این دو فرق سبب کاهش درجه نیاز به نقدینگی این سپرده‌ها در بانکداری اسلامی می‌شود؛ از این رو لازم است نرخ ذخیره قانونی کمتر باشد (میرمعزی، ۱۳۸۴).

الگوی جامع ذخیره قانونی

برای تدوین الگوی جامع ذخیره قانونی در یک نظام بانکداری مبتنی بر اصول اسلامی بایستی ابتدا اهداف مدنظر معین گردد و هم‌چنین چارچوب حاکم بر قوانین آن تبیین گردد. لذا اصول مورد نظر که برگرفته از مجموع اعتقادات محققان اقتصاد اسلامی می‌باشد اینگونه احصا می‌شود:

الف. تحریم ربا؛ عدم خلق پول بدون پشتوانه که نشأت گرفته از حکم تحریم رباست. خلق ارزش بایستی پیوند با بخش حقیقی اقتصاد داشته باشد. اساساً در نظام بانکداری اسلامی همه عقود و احکام حقوقی که همان مسیر اجراست بر پیوند عمیق و واقعی با بخش حقیقی اقتصاد تأکید دارد. بدیهی است در شرایط عدم تعادل بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد و در حد رشد واقعی اقتصاد، دولت یا بانک مرکزی به عنوان نماینده نهاد حاکمیت، با در نظر گرفتن مصالح جامعه می‌تواند خلق پول نماید.

ب. نفی تکاثر؛ در اینجا مقصود از تکاثر مالک شدن مال فراوان بهمراه حرص و آز برخاسته

از آن و همچنین مسابقه در فزون اموال می‌باشد. (حکیمی، جلد ۳ ص ۳۶۸، ۱۳۷۵)

در بانکداری امروز که غالب بانک‌ها خصوصی هستند، اخذ امتیاز تأسیس بانک یک رانت بزرگ و برای استفاده کردن از قدرت اقتصادی آن از طریق مکانیسم خلق ارزش پول می‌باشد. بنابراین همانطور که در اسلام تکاثر با منظور فوق نفی شده است بایستی ابزاری تعبیه شود تا به نهاد بانک نه به صورت وسیله‌ای برای کسب سود تکاثری و بی‌انتها، بلکه برای واسطه شدن بین سپرده‌گذار و نیازمند سرمایه و ارائه دهنده سایر خدمات بانکی مورد نیاز نگریسته شود. (یونس المصری، ۱۴۲۱ق: ص ۱۴۹)

ج. جلوگیری از کنز؛ در اینجا منظور از کنز ذخیره کردن وجه نقد و عدم سرمایه‌گذاری در امور تولیدی و تجاری و همچنین راکد گذاشتن آن می‌باشد. کنز کردن به مثابه نشت درآمد ملی محسوب می‌شود، چرا که پول را از گردش خارج می‌کند و از میزان درآمد ملی می‌کاهد. حرمت کنز بنا به مضرات آن برای جامعه است و واضح است که اگر به دلایلی این خارج کردن پول از چرخه اقتصاد به بهبود شرایط منجر شود (که در صلاحیت دولت است) این حکم نافذ نخواهد بود. (حسینی، ۱۳۸۹)

د. خیرخواهی؛ بانک یک موسسه عام‌المنفعه نیست و بدنبال سود بیشینه است؛ ولی در تعیین چارچوب فعالیت آن نبایستی به گونه فرصت فعالیت‌های خیرخواهانه مردم را محدود کرد و نیت آن‌ها را از اهداف اولیه منحرف ساخت. به عنوان مثال تکلیف استفاده ۱۰۰ درصدی از وجوه سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز در زمینه رفع نیاز افراد مستضعف در این راستا ارزیابی می‌شود.

ه. ابزار حکومت اسلامی؛ بدیهی است که نهاد بانک به مثابه یک نهاد از زیرنظام اقتصادی حکومت اسلامی بایستی به گونه تعبیه شود تا امکان سیاستگذاری مطلوب توسط حاکم اسلامی مهیا باشد و دست او از ابزارهای این چنینی خالی نباشد.

نتیجه گیری و ارائه الگو

با توجه به پنج نکته پیش گفته الگوی مدنظر این گونه ارائه می گردد:

۱- سپرده‌های دیداری

نظر توتونچیان و ترکمانی مبنی بر عدم لزوم ذخیره قانونی در سپرده‌های دیداری از واقعیت امر دور می نماید. از طرفی سپرده دیداری بدلیل ماهیت آن و کوتاه مدت بودن در سرمایه گذاری استفاده نمی شود که بلوکه کردن آن به محدودیت سرمایه گذاری منجر شود و از طرف دیگر نمی توان بدلیل کم بودن حجم آن از ذخیره قانونی آن صرف نظر کرد؛ کما اینکه در طول سه دهه ی اخیر نسبت سپرده‌های دیداری به حجم نقدینگی همواره رقم بالایی بوده است.

به نظر می رسد تعیین نرخ ذخیره قانونی حداکثری به الگوی بانکداری اسلامی نزدیک تر باشد؛ چرا که با توجه به مورد "ب" بند پیشین که همان اصل نفی تکاثر است، از تبدیل شدن بانک به یک موسسه سودآور که عمده ابزار آن خلق پول است جلوگیری می کند. بدیهی است کسب سود بیشینه یکی از اهداف مهم بانک و هر فعالیت دیگر اقتصادی می باشد ولی بایستی چارچوبی برای نیل به آن تعیین گردد که مضر اقتصاد نباشد. به عبارت دیگر بهتر است بانک برای کسب سود بیشتر به سمت بالا بردن کارایی خود، تخصیص بهینه وجوه و همچنین ارائه خدمات نوین به نسبت قدرت تکاثری خود بیشتر تمرکز کند.

این نکته را نیز بایستی اضافه کرد که اگر در تعیین نرخ ذخیره قانونی هدف تأمین امنیت سپرده‌ها باشد، بدلیل ماهیت کوتاه مدت سپرده دیداری، این نوع سپرده در اولویت اول خواهد بود. ضمناً برای جلوگیری از کنز پول و راکد ماندن حجم عظیمی از نقدینگی کشور توصیه می شود این وجوه در صندوقی ذخیره گردد تا توسط دولت صرف مواردی از قبیل زیرنظام‌های امنیتی، بهداشتی و آموزشی شود که بخش خصوصی انگیزه‌ای برای سرمایه گذاری ندارد. سهام این صندوق تضمین امنیت سپرده‌ها خواهد بود تا در صورت بروز مشکل انتقال مالکیت صورت پذیرد.

۲- سپرده قرض الحسنه

در رابطه با نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز که افراد ماهیتاً به سبب انگیزه‌های معنوی اقدام به این‌گونه سپرده‌گذاری می‌کنند بهتر است نرخ حداقلی لحاظ گردد؛ چرا که در این صورت می‌توان تا با توجه به مورد "د" بند پیشین بستر تأمین نیازهای اولیه افراد و بنگاه‌های نیازمند توسط مردم نیکوکار هرچه بیشتر فراهم آید و از سوی دیگر امنیت سپرده‌ها تأمین گردد.

ضمناً لازم است با توجه به بند "ه" و ذکر این نکته که تأمین نیازهای اولیه و کف سطح معیشت بر عهده حکومت اسلامی می‌باشد، دولت نیز ضامن امنیت اینگونه سپرده‌ها می‌گردد.

۳- سپرده سرمایه‌گذاری

نظر محسن خان مبنی بر تعیین نرخ حداقلی ذخیره قانونی برای اینگونه سپرده‌ها سبب می‌شود سود حاصل از فعالیت بانک در سرمایه‌گذاری مورد نظر افزایش یافته و در نتیجه قدرت تجهیز بانک به میزان قابل توجهی بهبود یابد. علاوه بر این حجم سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود که برای سپرده‌گذار و بانک نکته مثبتی تلقی می‌شود.

از سوی دیگر قدرت تأثیرگذاری بانک مرکزی از بابت کم‌اثر شدن این ابزار سیاست پولی کاهش می‌یابد. بنابراین با در نظر گرفتن این دو قید، نرخ حد وسط دو نگاه حداقلی و حداکثری برای سپرده‌های سرمایه‌گذاری پیشنهاد می‌گردد.

۴- نرخ ذخیره قانونی؛ ابزار سیاست‌گذاری پولی

همانطور که پیشتر اشاره شد با اجرای الگوی مدنظر، عملاً استفاده از تغییرات مکرر نرخ ذخیره قانونی محدود می‌شود و فقط نرخ ذخیره قانونی سپرده‌های دیداری و سرمایه‌گذاری را به میزان کمی می‌توان تغییر داد. با توجه به اینکه این ابزار در حال حاضر تنها ابزار غیر مستقیم سیاست پولی مورد استفاده بانک مرکزی می‌باشد، به نظر می‌رسد از محدودتر شدن آن استقبال نشود؛ لذا توصیه می‌شود آنچنان که سایر اقتصادهای پیش‌رو دنبال کرده‌اند، مقامات پولی و بانکی با توسعه ابزارهای مبتنی بر بازار پول و سرمایه از قبیل عملیات بازار باز عملاً به سوی ثبات نسبی و تغییرات اندک نرخ ذخیره قانونی گام بردارند.

منابع و مآخذ

۱. برانسون، ویلیام اچ؛ **تئوری و سیاست های اقتصاد کلان**؛ عباس شاکری، تهران: نشر نی، (۱۳۷۳).
۲. توتونچیان، ایرج؛ **اقتصاد پول و بانکداری**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، (۱۳۷۵).
۳. توتونچیان، ایرج؛ **ارزیابی پایه های نظری عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران**؛ ششمین سمینار بانکداری اسلامی، (۱۳۷۶).
۴. حسینی، سید رضا؛ **تحلیل کنز از دیدگاه فقه و اقتصاد، فصلنامه معرفت اقتصادی**؛ سال اول، شماره ۱، (۱۳۸۹).
۵. حکیمی، محمدرضا؛ محمد و علی، **الحیاء**، احمد آرام؛ قم: انتشارات دلیل ما، (۱۳۷۵).
۶. راجر لروی، میلر و رابرت دبلیو پلسانیلی؛ **پول و بانکداری نوین**؛ احمد ناهیدی، تهران، امیرکبیر، (۱۳۷۴).
۷. فراهانی فرد، سعید؛ **سیاستهای پولی در بانکداری بدون ربا**؛ قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، (۱۳۷۸).
۸. فراهانی فرد، سعید؛ **سیاست های اقتصادی در اسلام**؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۳۸۱).
۹. فرزین وش، اسدالله و فراهانی فرد، سعید؛ **ذخیره قانونی بر سپرده های بانکی**؛ فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۷، (۱۳۸۱).
۱۰. کشاورزبان پیوستی، اکبر؛ **بررسی عملکرد ابزار های سیاست پولی در ایران**، مجله بانک و اقتصاد؛ شماره ۴۶ و ۴۷، (۱۳۸۳).
۱۱. موسویان، عباس؛ **بانکداری اسلامی**؛ تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی، پنجم، (۱۳۸۶).
۱۲. موسویان، عباس؛ **احکام فقهی بانکداری بدون ربا**؛ تهران: انتشارات وثوق، (۱۳۸۶).

۱۳. میرآخور، عباس و محسن خان؛ **مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی؛** محمد ضیائی بیگدلی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، (۱۳۷۰).
۱۴. میرآخور، عباس و باقرالحسنی؛ **مقالاتی در اقتصاد اسلامی** حسن گلریز، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، (۱۳۷۳).
۱۵. میرمعزی، سید حسین؛ **الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی؛** فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۷، (۱۳۸۴).
۱۶. هدایتی، سید علی اصغر و همکاران؛ **عملیات بانکی داخلی؛** تهران: موسسه عالی بانکداری ایران، (۱۳۷۹).
۱۷. الترمکمانی، عدنان خالد؛ **السیاسة النقدیه و المصرفیه فی الاسلام؛** مؤسسۃ الرسالۃ، عمان، (۱۹۸۸م).
۱۸. یونس المصری، رفیق؛ **بحوث فی الاقتصاد الاسلامی؛** الاولی، سوریه: دارالمکتبی، (۱۴۲۱ق).

19. Alexander, William E., Tomas J. T. Balino, and Charles Enoch, *The Adoption of Indirect Instruments of Monetary Policy, International Monetary Fund Occasional Paper No. 126, (1995).*

20. Boyer, Lucretia and other Board of Governors of the Federal Reserve System, *The Federal Reserve System; Purposes and Functions, 9th edition, (2005).*

21. Buzeneca, Inese and Rodolfo Maino, *Monetary Policy Implementation: Results from a Survey, International Monetary Fund, Working Paper, (2007).*